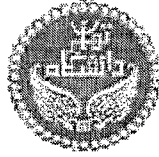


۱۲۵۷۶۶۰۰۰۰۰۰۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۲۵۷۶۶



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق بشر

مسئولیت بین المللی دولتها در قبال نقض فاحش حقوق بشر

استاد راهنما:

دکتر جمشید ممتاز

استاد مشاور:

دکتر نسرين مصفا

دانشجو:

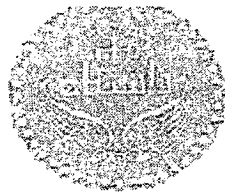
مهناز اخوان خرازیان

بهار ۱۳۸۷

۱۳۸۸/۸/۲

اطلاعات مدارک علمی بزرگ  
تیم مدیریت مدارک

۱۲۵۶۴۹



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی حقوق عمومی  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : مهناز اخوان خرازیان

در رشته : حقوق بشر

با عنوان : مسئولیت بین المللی دولتها در قبال نقض فاحش حقوق بشر

را در تاریخ : ۱۳۸۷/۶/۱۱

به عدد	به حروف
۱۹,۵	نوزده و نیم

با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

با درجه

عالی

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبہ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر جمشید ممتاز	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر نسرین مصفا	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر عباسعلی کدخدایی	دانشیار	"	
۴	استاد داور (خارجی)				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر سیدباقر میرعباسی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

دانشگاه تهران  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی حقوق بشر

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .

۱۳۸۸/۸/۲

معاونت آموزشی  
گروه آموزشی حقوق بشر



جمهوری اسلامی ایران

دانشگاه تهران

ره کل تحمیلات تکمیلی

شماره \_\_\_\_\_

تاریخ \_\_\_\_\_

پرونده \_\_\_\_\_

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب *سیدرضا افشار خاندان* متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو *سیدرضا افشار خاندان*

امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

تقدیم به محضر استاد عزیزم،

دکتر جمشید ممتاز

که دانش، منش، و روش از او آموختم

# فهرست

کلیات ..... ۱

### بخش اول: نقض فاحش قواعد و مقررات حقوق بشر

پیشگفتار ..... ۶

فصل اول: قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در حوزه حقوق بشر ..... ۱۲

۱-۱- تعریف قاعده آمره و تفکیک آن از تعهدات عام‌الشمول ..... ۱۴

۱-۲- قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در حوزه حقوق بشر ..... ۲۳

فصل دوم: «نقض فاحش» و عناصر آن ..... ۳۳

۲-۱- تفکیک رژیم مسئولیت ناشی از نقض فاحش از رژیم مسئولیت ناشی از نقض‌های عادی :

بررسی پیشینه موضوع و مفهوم جنایات دولت ..... ۳۸

۲-۲- عناصر «نقض فاحش» قاعده آمره ..... ۵۰

### بخش دوم: آثار نقض قواعد حقوق بشر برای دولت‌های عضو

پیشگفتار ..... ۵۵

## فصل اول: حقوق دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی

در صورت نقض تعهدات عام‌الشمول حقوق بشر ..... ۶۳

۱-۱- حق استناد به نقض ..... ۶۸

۱-۲- اقدامات متقابل ..... ۸۱

## فصل دوم: تکالیف و تعهدات دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی در مواجهه با نقض فاحش

تعهدات حقوق بشری ..... ۹۵

۲-۱- الزام به همبستگی اعضای جامعه بین‌المللی ..... ۱۰۳

۲-۲- الزام به منزوی کردن دولت خاطی ..... ۱۰۹

۲-۳- سایر آثار ناشی از نقض فاحش تعهدات حقوق بشری برای اعضای جامعه بین‌المللی ..... ۱۱۲

**نتیجه‌گیری** ..... ۱۲۵

واژه نامه ..... ۱۳۷

منابع و مأخذ ..... ۱۴۰

علائم اختصاری ..... ۱۶۷

ملحقات ..... ۱۶۹



## کلیات

«مسئولیت بین‌المللی» در معنای جدید آن، به وضعیتی اطلاق می‌شود که نشأت گرفته از یک عمل خلاف بین‌المللی ارتكابی از سوی یک شخص حقوق بین‌الملل یا یک عمل خلاف بین‌المللی قابل انتساب به آن شخص باشد.<sup>1</sup> پرواضح است که نظام حاکم بر مسئولیت بین‌المللی، با نظام حاکم بر مسئولیت در حقوق داخلی تفاوت بسیار دارد، ولی در عین حال انکار ایده مسئولیت بین‌المللی امکان‌پذیر نیست، چراکه انکار این ایده، انکار نظم حقوق بین‌المللی تلقی می‌شود.

حقوق کلاسیک مسئولیت دولت در قرن بیستم توسط حقوقدانان بزرگی نظیر پروفیسور آنزیلوتی، سرلوتر پاخت، و پروفیسور روبرتو آگو تا حد زیادی به چالش گرفته شد، ولی جامعه بین‌المللی تا قبل از جنگ جهانی دوم در مقابل پذیرش تلقی جدید از مفهوم مسئولیت دولت همچنان سرسختانه مقاومت می‌کرد. مواجهه با آنچه در دوران جنگ رخ داد، وقایعی که گاه حتی حیات برخی گروه‌ها و جوامع انسانی را تهدید به نابودی کرده بود، نشان داد که سنت اشتروپ<sup>2</sup> مبنی بر تلقی دوجانبه از روابط برخاسته از مسئولیت ناشی از نقض قواعدی که رعایت آن برای جامعه بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، دیگر جوابگوی نیازهای جامعه بین‌المللی نیست. بدین ترتیب نه تنها تأسیس مسئولیت کیفری فردی جای خود را در حقوق بین‌الملل عمومی باز نمود، بلکه اصول حاکم بر مسئولیت دولت نیز خود را با توسعه و تحول حقوق

---

<sup>1</sup> - Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Yearbook of ILC, 2001, Vol.II, Part Two, Art. 1.

<sup>2</sup> - Georg Nolte, From Dionisio Anzilotti to Roberto Ago: The Classical Int'l Law of State Responsibility and the Traditional Primacy of A Bilateral Conception of Interstate Relations, 13 EJIL, 2002, No. 5, pp. 1089-1094.

بین‌الملل انطباق داد. در فاصله سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۵۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل و مخبران آن تلاش نمودند که این مهم را به انجام رسانند.

در پایان راه، پس از حدود نیم قرن، «طرح مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال خلاف بین‌المللی» در کمیسیون حقوق بین‌الملل به تصویب رسید و هم‌زمان تدوین هفت ستون حقوق بین‌الملل بالاخره پایان یافت: اصول نورمبرگ، مصونیت دیپلماتیک، حقوق معاهدات، حقوق دریاها، مصونیت‌های قضایی دولت‌ها، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و مسئولیت بین‌المللی دولت. اگرچه در این شاخه از حقوق بین‌الملل، از ابتدا تأکید بر توسعه تدریجی بوده است، لکن طرح نهایی بیش از آنکه به آینده رو کند، معطوف به گذشته است<sup>۱</sup> و ساختارهای سنتی مقرر در آن برای مواجهه با وضعیت‌هایی که در آن حیات مردمان در معرض تهدید قرار می‌گیرد و حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به‌طور گسترده و نظام‌مند نقض می‌شود، مناسب به نظر نمی‌رسد.

تأثیر قواعدی که رعایت آن برای حیات جامعه بین‌المللی ضروری است، بر نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، مرکز ثقل رساله حاضر را تشکیل می‌دهد. به عبارتی پرسش اصلی بدین قرار است: «ظهور مفهوم قواعد آمره در حقوق بین‌المللی عمومی چه تأثیری بر تحول و توسعه حقوق مسئولیت دولت داشته است؟» بر این اساس، تلاش می‌شود به این پرسش نیز پاسخ داده شود که در حقوق بین‌المللی حقوق بشر کدام یک از قواعد، قاعده آمره تلقی می‌شود و آثار ناشی از نقض فاحش این قواعد آمره برای دول عضو جامعه بین‌المللی چیست؛ به بیان دیگر جامعه بین‌المللی چه ابزارهایی برای مقابله با نقض فاحش قواعد آمره در اختیار دولت‌های عضو آن جامعه می‌گذارد؟

---

<sup>1</sup> - Daniel Bodansky & John R. Crook, Symposium: The ILC's State Responsibility Articles, Introduction and Overview, 96 AJIL, 2002, p. 790.

حقوقدانان و مراجع بین‌المللی تلاش بسیار نموده‌اند که به این پرسش‌ها پاسخ دهند.

مخبران کمیسیون حقوق بین‌المللی در طول سال‌های ۱۹۵۶ تا ۲۰۰۱ گزارش‌های مطول و مفصلی در خصوص پرسش‌های فوق تقدیم کمیسیون نموده‌اند. همچنین مقالات و کتب متعددی در این خصوص به رشته تحریر درآمده و محاکم بین‌المللی، از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری، و محاکم داخلی، و نیز نهادهایی نظیر کمیته حقوق بشر و انستیتوی حقوق بین‌الملل ابعاد مختلف این مسأله مورد توجه قرار داده‌اند.<sup>۱</sup>

اگرچه بسیاری از حقوقدانان برجسته و تحلیل‌گران حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت در عرصه بین‌المللی کمابیش به یک یا چند بعد از این مسأله پرداخته‌اند، ولی در عرصه داخلی هنوز بررسی جامع و دقیقی از ابعاد موضوع مورد نظر صورت نگرفته است. با توجه به اینکه هدف از تهیه این رساله کمک به جهت‌گیری دولت جمهوری اسلامی ایران در مقابل اعمال خلاف ارتكابی

---

<sup>۱</sup> - برای مثال، ن. ک. به:

امیرحسین رنجبریان، پویایی حقوق بین‌الملل و پایایی شکنجه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷؛

Orakhelashvili Alexander, *Pereemptory Norms in International Law* (2007); Tams, Christian J., *Enforcing Obligations Erga Omnes in International Law* (2005); Tomuschat, Christian, *Obligations Arising For States Without or Against Their Will*, 241 RdC (1993); Tomuschat, Christian & Thouvenin, Jean-Marc (eds.), *The Fundamental Rules of International Legal Order: Jus Cogens and Obligations Erga Omnes* (2006); ICJ Reports, 9 July 2004, Advisory Opinion; Prosecutor v. Furundzija, Case No. IT -95-17/1-T, 10 Dec. 1998; "Declaration on the Protection of Human Rights and the Principle of Non-Intervention in Internal Affairs of States", Institute of Int'l Law, Resolution of Saint-Jacques-de-Compostelle Session, 13 Sep. 1989; "Obligations Erga Omnes in International Law", Institute of Int'l Law, Resolution of Krakow Session, 27 Aug. 2005.

از سوی دول همسایه، دولت‌های منطقه و سایر دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی، تنظیم دستورالعمل‌ها و خط‌مشی‌های صحیح برای سیاست خارجی، و آگاهی از عواقب و آثار فعل یا ترک فعل‌هایی است که در داخل کشور صورت می‌گیرد، توجه به ابعاد مختلف این مسأله از سوی وزارت امور خارجه از یک سو و نهادهای داخلی تقنینی، اجرایی و قضایی ذیربط از سوی دیگر ضروری به نظر می‌رسد. در حال حاضر نقض فاحش قواعد آمره منجر به تحمیل تکالیفی بر دیگر دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی می‌شود که در گذشته یا به‌عنوان حقوق و اختیارات از آن یاد می‌شد، و یا به‌طور کلی مطرح نبود.

روش اتخاذی در این تحقیق برای بررسی مفاهیم و پاسخ به پرسش‌های مطرح‌ه، روش توصیفی-تحلیلی است و بر جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و تحلیل آن متکی می‌باشد.

اطلاعات جمع‌آوری‌شده در پاسخ به پرسش‌های فوق‌الذکر و تحلیل آنها در دو بخش کلی تنظیم شده است: بخش اول به شناسایی «قواعد آمره» و «تعهدات عام‌الشمول» به‌طور کلی و قواعد و تعهدات حقوق بشری که ذیل این دو عنوان قرار می‌گیرد، به‌طور خاص، می‌پردازد. از آنجا که طرح مسئولیت دولت‌ها برای اعمال خلاف بین‌المللی نه تنها به ماهیت تعهد نقض شده، بلکه به ماهیت و چگونگی خود نقض به‌عنوان ضابطه‌ای برای به حرکت درآوردن سازوکار مذکور در ماده ۴۰ و ۴۱ توجه نموده، فصل دوم بخش اول به بررسی این موضوع اختصاص داده شده است. در بخش دوم، آثار ناشی از نقض تعهدات مورد نظر، مورد بررسی قرار گرفته که این آثار خود به دو دسته کلی -حقوق و تکالیف- تقسیم می‌شود. همچنین دسته دیگری از آثار برای نقض‌های فاحش قواعد آمره متصور است که در پایان بخش دوم به آن خواهیم پرداخت.

در پایان، از اساتید گرامی جناب آقای دکتر جمشید ممتاز و سرکار خانم دکتر نسرین مصفا سپاسگزارم که در روند تکمیل این پایان‌نامه با سعه صدر و شکیبایی راهنمای من بودند. همچنین از اساتید و دوستانی که در تهیه این رساله مرا یاری نمودند، خصوصاً جناب آقای دکتر رنجبریان، جناب آقای دکتر سادات میدانی، و سرکار خانم دکتر سیارستمی قدردانی می‌نمایم.

نه تنها پیچیدگی‌های حقوقی، بلکه حساسیت‌های سیاسی در خصوص حقوق مسئولیت دولت، این شاخه از حقوق را به سمتی پیش برده است که علائق تک تک دولت‌ها در آن بر علائق «جامعه بین‌المللی به طور کل» غلبه یابد. اینکه منفعت جامعه بین‌المللی نهایتاً بر منفعت تک تک دولت‌های عضو آن غلبه کند، خود به توانمندی آن جامعه بستگی دارد؛ «ممکن است پیروز شود»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - این عبارت، نقل قولی از نیچه است که نگاه چندنقطه‌ای به جهان را در مقابل نگاه تک‌نقطه‌ای می‌گذارد و معتقد است گرایش از پرسپکتیو تک‌نقطه‌ای به سمت پرسپکتیو چندنقطه‌ای گرایشی از ژرفا به سطح می‌باشد. ن.ک. به: نادر شهریوری، ستون اندیشه، روزنامه اعتماد، ۱۴ اسفند ۱۳۸۶، ص. ۵.

\* Synallagmatic

**بخش اول: نقض فاحش قواعد و**

**مقررات حقوق بشر**

## پیشگفتار

ساختار دولت - محور جامعه بین‌المللی همواره حقوق بین‌الملل را ملزم ساخته که برای روابط بین دولت‌ها مبنایی «ملزوم‌الطرفینی»، براساس تعهدات متقابل دوجانبه، در نظر بگیرد. این دولت - محور بودن روابط بین‌الملل موجب شده که تشکیل نهاد حقوقی «جامعه بین‌المللی» با تأخیر مواجه شود.

اولین استثنایی که برای این دوجانبه‌گرایی در نظر گرفته شد، قواعد مربوط به ممنوعیت دزدی دریایی بود: هر دولتی حق داشت در دریای آزاد دزدان دریایی را دستگیر و زندانی کند، فارغ از اینکه دزدان دریایی به کشتی‌های آن حمله کرده باشند یا نه، و فارغ از اینکه چه تابعیتی داشته باشند. اما دولت‌ها در اعمال این حق به نمایندگی از سوی «جامعه بین‌المللی» یا حتی «جامعه بین‌المللی دولت‌ها» عمل نمی‌کردند و قصدشان هم حمایت از ارزش‌های این جامعه نبود، بلکه صرفاً در راستای تضمین یک منفعت مشترک و حفظ آن اقدام می‌نمودند. به عبارت دیگر همانطور که دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه رودخانه ادر گفته، «وحدت منافع» مبنای یک «حق حقوقی مشترک» قرار می‌گرفت.<sup>1</sup>

اوائل قرن نوزدهم، تلاش برای شناسایی قواعدی که خارج از حوزه روابط دوجانبه دولت‌ها قرار گیرد، بیشتر شد. این تلاش هم در حوزه سیاست عملی دولت‌ها و هم در حوزه دکترین حقوقی به چشم می‌خورد. در سال ۱۸۱۵ بردگی ممنوع اعلام شد. در اسناد ضمیمه اعلامیه

---

<sup>1</sup> - PCIJ, 1929, Territorial Jurisdiction of the Int'l Commission of the River Oder, p.27; See also: Antonio Cassese, "The Main Legal Features of the Int'l Community", in Int'l Law, 2<sup>nd</sup> edition, Oxford University Press: 2005, pp.3-21, cited on [www.oup.com/uk/orc/bin/9780199259397/Cassese\\_ch01.pdf](http://www.oup.com/uk/orc/bin/9780199259397/Cassese_ch01.pdf).

هشتم فوریه ۱۸۱۵ کنگره وین، بردگی ناقض اصول انسانی و اخلاقی جهانی اعلام، و اظهار امیدواری شد که به این مصیبت پایان داده شود.<sup>۱</sup> در حوزه دکترین، پروفیسور اوپنهایم اعلام کرد که یک سری «اصول شناخته شده جهانی» در حقوق بین الملل وجود دارد که هر معاهده مغایری را باطل می کند و بنابراین اثر امره چنین اصولی فی نفسه یک قاعده عرفی حقوق بین الملل است که با اتفاق نظر اعضای جامعه بین المللی شناسایی می شود.<sup>۲</sup>

البته قبل از اوپنهایم هم طرفداران مکتب حقوق طبیعی همواره این نکته را متذکر می شدند که دولت ها در ایجاد روابط قراردادی مطلقاً آزاد نیستند و موظفند برخی از اصول بنیادینی که عمیقاً در وجدان جامعه بین المللی ریشه دوانده را مد نظر قرار دهند.<sup>۳</sup> در رویه قضایی نیز اشارات جسته گریخته ای به مفهوم قواعد امره می توان یافت که نشان می داد این مفهوم به تدریج از استحکام بیشتری برخوردار می شد.<sup>۴</sup>

وسعت جنایاتی که در طول جنگ جهانی اول و دوم اتفاق افتاد، تعرضات وحشیانه به انسان ها و کشتار سازمان یافته میلیون ها غیرنظامی، نشان داد که تدوین قواعدی جهانی که رعایت آن بر همه قواعد و مقررات دیگر اولویت داشته باشد، ضروری است. و این قواعد، همان قواعدی

---

<sup>۱</sup> - هدایت... فلسفی، حقوق بین الملل معاهدات، تهران ۱۳۸۳، ص. ۳۰۴.

<sup>۲</sup> - Oppenheim et al., Oppenheim's Int'l Law, Vol. 1 Peace, Introduction & Part I (1992);

برای بررسی مفهوم قاعده امره در رویه قضایی، ن. ک. به:

Pablo Najero Case, French-Mexican Claims Commission, 1928; PCIJ, Oscar Chinn Case, 12 Dec. 1934; Michael Byers, Conceptualising the Relationship Between Jus Cogens and Erga Omnes Rules, 66 Nordic Journal of Int'l Law, 1997, pp. 213-214.

<sup>۳</sup> - Gennady M. Danilenko, Int'l Jus Cogens: Issues of Law-Making, 2 European Journal of Int'l Law, 1991, No. 1, <[www.ejil.org/journal/Vol2/No1/art3.html](http://www.ejil.org/journal/Vol2/No1/art3.html)>.

<sup>۴</sup> - Pablo Najero Case, Supra; Oscar Chinn Case, Supra; I.C.J. Reports, 28 Nov. 1958, Separate Opinion of Judge Quintana; I.C.J. Reports, 12 Apr. 1960, Separate Opinion of Judge Fernandes; I.C.J. Reports, 18 July 1966, Separate Opinion of Judge Tanaka.



بود که منافع کل جامعه بین‌المللی - و نه فقط منافع هریک از اعضای آن - را حفظ می‌کرد. به تدریج این اعتقاد شکل گرفت که نقض چنین قواعدی که در راستای ممنوعیت جنایاتی نظیر ژنوساید، تجاوز، و آپارتاید بود، اثراتی به مراتب شدیدتر و زیان‌بارتر از نقض دیگر قواعد حقوق بین‌الملل بر جای می‌گذارد<sup>۱</sup>، چراکه طبق گفته دیوان بین‌المللی دادگستری، این قواعد، بیان حقوقی «ملاحظات اساسی بشریت»<sup>۲</sup> تلقی می‌شد که غیرقابل تخطی و غیرقابل نقض اعلام شده بود و سرانجام هم در کنوانسیون حقوق معاهدات تحت عنوان «قاعده آمره»<sup>۳</sup> یا «Jus Cogens» متجلی شد.<sup>۴</sup>

اما همانطور که پروفیسور آگو گفته، «تعریف یک قاعده و تعریف مضمون تعهدی که آن قاعده بار می‌کند\* یک چیز است، و تعیین [آستانه] نقض آن تعهد و آثار مترتب بر آن\*، چیز دیگر»<sup>۵</sup> در کمیسیون حقوق بین‌الملل موضوع قواعد آمره قبل از سال ۱۹۷۰ و در جریان تدوین کنوانسیون حقوق معاهدات مطرح شده بود. اکنون و در جریان بررسی موضوع «مسئولیت دولت»

---

<sup>1</sup> - Yearbook of the Int'l Law Commission (hereinafter Yb of the Int'l Law Commission), 1976, vol. II, Part Two, Para. 15, pp. 101-102; Alain Pellet, Can A State Commit a Crime? Definitely Yes!, 10 EJIL, 1999, no. 2, p. 426-427.

<sup>2</sup> - I.C.J. Reports, 1949, p. 22; I.C.J. Reports, 1986, paras. 100-101; I.C.J. Reports, 1996, para. 79.

<sup>3</sup> - Peremptory Norm, Imperative Norm

<sup>4</sup> - Vienna Conventions on The Law of Treaties, Done at Vienna, 23 May 1969, UN Treaty Series, Vol. 1155, p. 331.

\* Primary Rule (norm)

\*\* Secondary Rule (norm)

<sup>5</sup> - Yb of the ILC, 1970, Vol II, p. 177, para. 306;

کرافورد نیز با نقل این مطلب اضافه می‌کند که اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، ایده اصلی آن است که نقض یک تعهد اولیه بلافاصله به یک تعهد ثانویه یا یک سری تعهدات ثانویه می‌انجامد؛ ن.ک. به:

James Crawford, The ILC's Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts: A Retrospect, 96 AJIL, 2002, p. 876.

این مسأله عنوان شد که غیرقابل تخطی بودن برخی قواعد در حوزه مسئولیت دولت نیز باید سیر تکاملی موازی طی کند.<sup>۱</sup> آیا نقض این قواعد برای دولت‌ها مسئولیت کیفری به دنبال داشت؟

موضع سنتی حقوق بین‌الملل احتراز از مسأله انتساب مسئولیت کیفری به دولت بود، چراکه ساختارهای لازم برای اعمال چنین مسئولیتی در حقوق بین‌الملل وجود نداشت.<sup>۲</sup> در عین حال تحولات ساختارهای بین‌المللی دیگر اقتضا نمی‌کرد که نقض تعهدات ناشی از قواعد آمره بین‌المللی همان آثاری را به دنبال داشته باشد که نقض سایر تعهدات به دنبال داشت! با آنکه رویه قضایی و دولتی از مفهوم «جنایت دولت» حمایت نمی‌کرد<sup>۳</sup>، در سال ۱۹۷۶ ماده ۱۹ با هدف تفکیک رژیم مسئولیت ناشی از نقض تعهدات عادی، از رژیم مسئولیت ناشی از نقض تعهدات قواعد آمره، به تصویب رسید که مرکز ثقل آن همین مفهوم جنایت دولت بود.<sup>۴</sup> با این حال یک نکته از همان ابتدا مشخص بود: در حالی که یک جنایت بین‌المللی معمولاً ناشی از نقض یک تعهد برخاسته از قاعده آمره بود، عکس این مطلب همواره صحیح نبود؛ دامنه تعهدات بین‌المللی تخطی‌ناپذیر وسیع‌تر از دامنه تعهداتی بود که نقض آن جنایتی بین‌المللی تلقی می‌شد.<sup>۵</sup>

---

<sup>1</sup> - Yb of the ILC, 1976, vol.II, Part One, para.57,pp.33-34;

پروفسور آگو در گزارش خود به طور مفصل این سیر تکاملی را تا سال ۱۹۷۶ بررسی می‌کند:

ibid., paras. 80-117.

<sup>2</sup> - Yb of the ILC, 1976, vol.II, Part Two, Commentary to Article 19.

<sup>3</sup> - Yb of the ILC, Vol.II, Part Two, Commentary to Art. 19; Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 9 Dec. 1948, Article IX; Nuremberg Trial Proceedings Vol.I, Charter of the Int'l Military Tribunal, [www.yale.edu/lawweb/abalon/imt/proc/imtconst.htm](http://www.yale.edu/lawweb/abalon/imt/proc/imtconst.htm) ; Charter of the Int'l Military Tribunal for the Far East, [www.yale.edu/lawweb/avalon/imtfech.htm](http://www.yale.edu/lawweb/avalon/imtfech.htm).

<sup>4</sup> - Yb of the ILC, Ibid.

<sup>5</sup> - Ibid., p.119, para. 62.

متعاقب تصویب ماده ۱۹، همچنان ما شاهد فقدان رویه دولتی و قضایی در تأیید ماده ۱۹ هستیم. در حالی که مفهوم قاعده آمره و در کنار آن تعهدات عام‌الشمول روزبه‌روز از غنای بیشتری برخوردار می‌شد، مفهوم «جنایت دولت» به خصوص در دهه ۱۹۹۰ با تردیدها و شبهات زیادی مواجه شد. بار کیفری عبارت «جنایت»<sup>\*</sup>؛ فقدان رویه قضایی بین‌المللی در تأیید آن، وجود نشانه‌هایی در رد این مفهوم از سوی محاکم بین‌المللی<sup>۱</sup>، عدم استفاده شورای امنیت از این عبارت و مخالفت حکومت‌ها با آن، نهایتاً منجر به حذف ماده ۱۹ از پیش‌نویس و عدم پذیرش اصل مسئولیت کیفری دولت شد. ولی حذف ماده ۱۹ نتوانست آن ایده اصلی تفکیک رژیم مسئولیت بر مبنای اهمیت تعهدات بین‌المللی را محو کند.<sup>۲</sup> مبنای این تفکیک، تکامل حقوق بین‌الملل از دوجانبه‌گرایی به سمت چندجانبه‌گرایی و توجه روزافزون به مفهوم نظم عمومی بین‌المللی بوده که خود را در قالب قواعد آمره بین‌المللی و تعهدات عام‌الشمول متجلی ساخته است.

یادآوری این نکته ضروری است که شکاف میان ارزش و عمل در این حوزه از حقوق بین‌الملل از هر حوزه دیگری مشهودتر است. همانطور که پروفیسور کاسسه می‌گوید، اگرچه ظهور «تعهدات عام‌الشمول»<sup>\*\*</sup> از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، ولی نباید در توجه به آن

---

\*Crime

<sup>1</sup> - Yb of the ILC, 1998, Vol.II, Part Two, paras. 263-266, pp. 67-68; Yb of the ILC, 1998, Vol.II, Part One, UN DOC. A/CN.4/490/Add.3, paras. 87-88; Prosecutor V. Blaskic, Case No. IT-95-14-AR, 108 bis, 1997, para. 25,

دیوان در این رای می‌گوید: "پر واضح است که طبق حقوق بین‌الملل کنونی نمی‌توان مجازات‌هایی کیفری شبیه آنچه در نظام‌های کیفری ملی مقرر شده، در مورد دولتها اعمال کرد."

<sup>۲</sup> - ن.ک.به:

Text of the Draft Articles, Supra, 2001, Art. 40.

\*\*Obligations Erga Omnes

مبالغه کرد؛ چراکه معاهدات یا قواعد عرفی دربرگیرنده چنین تعهداتی هنوز بسیار کم است. به

علاوه این قواعد محدود نیز به ندرت اجرا می‌شود.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - A. Cassese, "The Main Legal Features of the Int'l Community", Supra.